

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: nashrehoghoghepoya

■ کانال تلگرام: hoghoghepoyapub

■ کانال پیام رسان بله: pooya_law

■ کانال پیام رسان سروش: pooyalaw

■ فروشگاه اینترنتی: www.hpbook.ir

الله أكبر
٢

ضابطان قوه قضائیه (دادگستری - نظامی)

در فرایند دادرسی کیفری

(بر مبنای قانون جدید آیین دادرسی کیفری)

سید مهدی صنعتی - قاضی تجدیدنظر نظامی

ایوب نوریان - قاضی دادرسی نظامی

مجید عطایی جنتی - قاضی دادگستری

تقدیم به:

روح آسمانی شهدای والا مقام از سه نسل مختلف:

* سید مجتبی نواب صفوی، روحانی مبارزی که اولین بارقه‌های
انقلاب اسلامی را پدید آورد؛

* عبدالحسین برونسی، آن معمار ساده‌ای که بنای
عزت ما، محکم از غیرت او و امثال اوست؛

* محسن حُجّجی، حُجت خداوند در
پیش چشم همه جوانان امروز و
دیروز...

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فهرست مطالب	۷
مقدمه	۱۳
فصل اول: کلیات	۱۵
گفتار اول: مفاهیم	۱۵
مبحث اول: مفهوم ضابطیت	۱۵
الف) ضابط در لغت:	۱۵
ب) مفهوم اصطلاحی ضابطان قوه قضائیه (ضابط قضایی):	۱۶
۱- ضابطان دادگستری:	۱۷
۱-۱- ضابطان عام	۲۰
۱-۲- ضابطان خاص	۲۱
۲- ضابطان نظامی	۲۲
مبحث دوم: تعاریف مرتبط با ضابطیت	۲۳
الف) تحقیقات مقدماتی	۲۳
ب) جرم مشهود و جرم غیر مشهود	۲۵
پ) جرم مشکوک	۲۹
ت) جرم در مقام ضابط	۳۲
گفتار دوم: پیشینه تقنینی ضابطان قوه قضاییه	۳۴
مبحث اول: ضابطان در قوانین قبل از انقلاب اسلامی	۳۴
الف) ضابطان عدلیه:	۳۴
ب) ضابطان نظامی:	۳۵
مبحث دوم: ضابطان قوه قضائیه بعد از انقلاب اسلامی	۳۷

الف) پلیس قضایی	۳۷
ب) کمیته‌های انقلاب اسلامی:	۳۸
پ) شهربانی و ژاندارمری	۴۰
ت) نیروی انتظامی ج.ا.ا.	۴۰
گفتار سوم: مصادیق قانونی ضابطان قوه قضائیه	۴۲
مبحث اول: ضابطان دادگستری	۴۲
الف) ضابطان عام	۴۲
ب) ضابطان خاص	۴۵
۱- ضابطان خاص دارای اختیارات کامل	۴۵
۱-۱- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان	۴۶
۱-۲- وزارت اطلاعات ج.ا.ا.	۴۶
۱-۳- نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۴۷
۱-۵- سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۴۹
۱-۶- مأموران سازمان حفاظت محیط زیست	۵۱
۱-۷- فرمانده هواپیما	۵۱
۱-۸- فرمانده کشتی	۵۳
۱-۹- مأموران سازمان بنادر و دریانوردی، حفاظت محیط زیست و شیلات ایران	۵۴
۱-۱۰- مأموران سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری	۵۵
۱-۱۱- مأموران یگان حفاظت گمرک‌های کشور	۵۶
۱-۱۲- ناظران وزارت بازرگانی	۵۷
۲- ضابطان خاص گزارش دهنده (در حکم ضابط)	۵۷
۲-۱- مأموران شهرداری و وزارت جهاد کشاورزی	۵۷
۲-۲- مأموران وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	۵۸
۲-۳- بازرسان کار و بازرسان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی	۵۹

۶۲	۲-۴- مأموران وزارت نیرو
۶۳	۲-۵- مأموران سازمان تأمین اجتماعی
۶۳	۲-۶- ناظران شرعی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان دامپزشکی
۶۴	مبحث دوم: ضابطان نظامی
۶۶	الف) مأموران دژبان نیروهای مسلح
۶۶	ب) مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح
۶۸	پ) مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح
۶۹	ت) فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی
	ث) افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت عدم حضور سایر ضابطان نظامی
۶۹	ج) مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط نظامی محسوب می‌شوند
۷۰	خ) مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات
۷۲	گفتار چهارم: ضرورت وجود ضابطان قوه قضائیه
۷۵	فصل دوم: وظایف ضابطان قوه قضائیه
۷۵	گفتار اول: وظایف ضابطان دادگستری
۷۶	مبحث اول: وظایف ضابطان دادگستری در جرایم مشهود
۷۷	الف) کشف جرم
۷۸	ب) حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم
۷۹	پ) جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم
۸۱	ت) انجام تحقیقات مقدماتی
۸۲	ث) مطلع نمودن دادستان از تحقیقات انجام شده در اسرع وقت
۸۳	مبحث دوم: وظایف ضابطان دادگستری در جرایم غیر مشهود
۸۳	مبحث سوم: وظایف ضابطان دادگستری در اجرای دستورهای مقامات قضایی

- الف) وظایف ضابطان در احضار متهم ۸۴
- ب) وظایف ضابطان در جلب متهم ۸۵
- پ) وظایف ضابطان در ابلاغ اوراق قضایی ۸۸
- ت) وظایف ضابطان در معاینه و تحقیقات محلی ۸۹
- ث) وظایف ضابطان در اجرای دستورهای کتبی و شفاهی ۸۹
- مبحث چهارم: وظایف ضابطان دادگستری در حفظ و رعایت حقوق شهروندی ۹۲
- الف) ضابطان و رعایت حقوق شهروندی متهم ۹۴
- ۱- ممنوعیت دستگیری متهم بدون مجوز قانونی ۹۴
- ۲- تفهیم اتهام به متهم ۹۵
- ۳- منع بازداشت متهم در جرایم مشهود بیش از ۲۴ ساعت ۹۷
- ۴- حق سکوت متهم ۹۹
- ۵- حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی ۱۰۲
- ۶- ممنوعیت شکنجه و رفتارهای اهانت آمیز ۱۰۴
- ۷- حفظ حریم خصوصی و شخصی متهم ۱۰۵
- ۸- ممنوعیت اخذ تأمین کیفری از متهم توسط ضابطان دادگستری ۱۰۹
- ۹- انجام پرسش‌های مفید و روشن از متهم و درج آنها بدون تغییر ۱۱۰
- ۱۰- بکارگیری اصول و شیوه‌های علمی قانونی در تحقیقات و بازجویی ها ۱۱۱
- ۱۱- ممنوعیت تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود ۱۱۳
- ۱۲- حق اطلاع خانواده متهم از دستگیری او ۱۱۵
- ب) ضابطان و رعایت حقوق سایر اشخاص پرونده ۱۱۶
- گفتار دوم: وظایف ضابطان نظامی** ۱۲۲
- الف) اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضائی عمومی در یگانهای نظامی و انتظامی ۱۲۲
- ب) نقل و انتقال متهمان و محکومان دادرها و دادگاههای نظامی ۱۲۲
- پ) گزارش نمودن فرار کارکنان وظیفه تحت امر ۱۲۳

ت) شناسایی و دستگیری کارکنان وظیفه فراری و تحویل به دادسرای نظامی.....	۱۲۳
ث) سایر وظایف ضابطان نظامی.....	۱۲۴
فصل سوم: حمایت‌ها و ضمانت اجرای ایفای وظایف ضابطان قوه قضائیه	۱۲۵
گفتار اول: حمایت‌های قانونی از ضابطان قوه قضائیه	۱۲۵
مبحث اول: حمایت کیفری از ضابطان قوه قضائیه.....	۱۲۶
الف) تمرد در برابر ضابطان.....	۱۲۶
ب) توهین به ضابطان.....	۱۲۷
مبحث دوم: حمایت حقوقی از ضابطان قوه قضائیه.....	۱۲۷
مبحث سوم: حمایت قضایی از ضابطان.....	۱۲۹
مبحث چهارم: سایر حمایت‌های قانونی از ضابطان قوه قضائیه.....	۱۳۰
الف) معتبر دانستن تحقیقات و اقدامات ضابطان.....	۱۳۰
ب) حمایت در برابر حوادث ناشی از کار.....	۱۳۲
گفتار دوم: مسؤولیت‌های قانونی ضابطان قوه قضائیه	۱۳۳
مبحث اول: ضمانت اجرای کیفری.....	۱۳۳
الف) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.....	۱۳۳
ب) قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶.....	۱۳۶
پ) قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی.....	۱۳۶
ت) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات).....	۱۳۷
ث) قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳.....	۱۴۱
ج) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲.....	۱۴۲
مبحث دوم: مسؤولیت مدنی.....	۱۴۵
مبحث سوم: مسؤولیت اداری.....	۱۴۶
نتیجه	۱۴۸

پیوست‌ها:	۱۵۱.....
پیوست اول: آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری.....	۱۵۱.....
پیوست دوم: آیین نامه اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم	۱۵۷.....
پیوست سوم: دستورالعمل فوریت‌های قضایی و نحوه عملکرد واحد کشیک (مصبوب ریاست	
محترم قوه قضائیه)	۱۶۵.....
پیوست چهارم: فرم پیشنهادی تفهیم حقوق متهم توسط ضابطان در بدو بازداشت و بازجویی:	۱۷۱.....
فهرست منابع.....	۱۷۳.....

مقدمه

از جهاتی که عدالت را شمشیری دو لبه می‌خوانند این است که قضات برای احقاق حق و اجرای عدالت از کارشناسان و مأمورانی استفاده می‌نمایند که در بسیاری از موارد به لحاظ تخصصی بودن موضوع و کثرت کار، امکان بررسی مجدد نظرات آنان توسط قضات فراهم نیست لذا گزارشات و نظرات این کارشناسان و مأموران، مستند آراء صادره از مراجع قضایی قرار می‌گیرد. بدیهی است که اعتماد بی قید و شرط قضات به این گزارشات و نظرات، می‌تواند در مواردی باعث صدور آراء غیر منصفانه شود و اینجاست که لبه‌ی دیگر تیغ عدالت، علیه قاضی به کار می‌افتد.

مقنن برای کشف جرائم و برخورد سریع با متهمین و حفظ آثار و دلایل جرم، به مقامات و مأموران برخی نهادهای دولتی وظیفه‌ای را برای کشف و گزارش جرائم و عنداللزوم دستگیری متهمین و سایر اقدامات تحقیقی محول نموده و این مأموران (ضابطان) را از این حیث تحت ریاست و نظارت دادستان قرار داده و به گزارشات و اقدامات این مأموران اعتبار قانونی داده است. نکته مهم اینکه مقنن گر چه گزارشات و اقدامات ضابطان فوق را معتبر دانسته اما این اعتبار در صورتی است که شخص گزارش دهنده و محتوای گزارش مورد وثوق و اعتماد قاضی رسیدگی کننده باشد.

با توجه به مراتب فوق، شناخت ضابطان قوه قضائیه و وظایف آنان از اهمیت زیادی در رسیدگی‌های قضایی برخوردار بوده و این مقامات نقش تعیین کننده‌ای در تعقیب و کشف جرائم و اجرای عدالت دارند. به ویژه با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نقش ضابطان در قانون پررنگ تر شده و مقنن در حداقل ۵۰ ماده از قانون فوق و بخش هشتم آن راجع به آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح (الحاقی ۱۳۹۳) به موضوع ضابطان پرداخته است.

از طرفی منابع موجود در زمینه‌ی آیین دادرسی کیفری و ضابطان دادگستری، نه تنها قدیمی و نشأت گرفته از قوانین سابق بوده، بلکه به نسبت سایر مباحث آیین دادرسی کیفری، کمتر به مبحث ضابطیت پرداخته شده و نیاز به تألیفاتی مستقل در این زمینه ملموس است. این چنین بود که مؤلفین برای جبران این نقیصه دست به قلم برده و حاصل کار مجموعه است که در سه فصل با موضوعات: کلیات، حدود وظایف ضابطان قوه قضاییه و حمایتها و ضمانت اجرای ایفای وظایف آنان به رشته تحریر درآمده است.

بدیهی است که این اثر واجد نقایصی بوده و به لحاظ استفاده از اصطلاحات و تقسیم بندی‌های نو، انتقاداتی را در پی خواهد داشت که نگارندگان از این انتقادات سازنده استقبال نموده و خود را محتاج آن می‌دانند.

امید آنکه این مجموعه قدمی در جهت ارتقای حقوق شهروندی و کرامت انسانی ایرانیان بوده و زمینه ساز توجه و آشنایی بیش از پیش ضابطان قوه قضاییه به چارچوب وظایف قانونی گردد. **إن شاء الله**

ایمیل: sanatiseyyed@yahoo.com

فصل اول: کلیات

در این فصل ابتدا مفاهیم مورد استفاده در مجموعه‌ی حاضر مورد بررسی قرار گرفته و سپس به پیشینه‌ی تاریخی ضابطان پرداخته شده است؛ در ادامه مصادیق قانونی ضابطان قوه قضاییه احصاء شده و در نهایت بحثی راجع به ضرورت وجود نهاد ضابطیت مطرح می‌گردد.

گفتار اول: مفاهیم

مبحث اول: مفهوم ضابطیت

الف) ضابط در لغت:

"ضابط" لغتی عربی از ریشه ضبط بوده و در فرهنگ معین در چند معنا آمده است:

- ۱- نگاه دارنده، حفظ کننده. ۲- آن که شهری را از جانب سلطان اداره کند. ۳- حاکم، والی. ۴- نیرومند و قوی. ۵- محصل مالیات. ۶- ممیز و مفتش حساب.^۱
- در فرهنگ فارسی دهخدا در معانی دیگری از جمله فراهم آورنده، نگاهدارنده چیزی، حفظ کننده، پلیس و غیره آمده است.^۱

۱- معین، محمد. فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰، ذیل مدخل ضابط

در ترمینولوژی حقوقی ضابط چنین تعریف شده: «بلوک را به چند ناحیه تقسیم کرده و برای هر ناحیه اداره‌ای به عنوان اداره ناحیتی تأسیس و رئیس آن اداره (که نماینده وزارت کشور در آن ناحیه بود) را ضابط یا مباشر می‌گفتند».^۲ این تعریف از قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستور العمل حکام مصوب ۱۲۸۶ اخذ شده است.

ب) مفهوم اصطلاحی ضابطان قوه قضائیه (ضابط قضایی):

ضابطان قوه قضائیه به کلیه مأمورانی اطلاق می‌شود که در قوانین موضوعه به عنوان ضابط دادگستری (عام و خاص) و ضابط نظامی شناخته شده‌اند و اجرای بخشی از وظایف محوله از سوی دستگاه قضایی را بر عهده دارند.

دایره وسعت اصطلاح ضابطین قوه قضائیه وسیع تر از دایره ضابطین دادگستری است. دادگستری بخشی از قوه قضائیه است. قوه قضائیه شامل دادگستری، دیوان عدالت اداری، سازمان قضایی نیروهای مسلح، دیوان عالی کشور، دادسرا و دادگاه عالی انتظامی قضات و بخشهای مرتبط با آنها می‌باشد. بنابراین نسبت بین اصطلاح ضابطین قوه قضائیه و ضابطین دادگستری عموم و خصوص مطلق است یعنی ضابط دادگستری ضابط قوه قضائیه محسوب می‌شود ولی ضابط قوه قضائیه ضابط دادگستری نیست.^۳

اصطلاح ضابطان قوه قضائیه در قوانین مختلفی چون: ماده ۴ قانون تأسیس وزارت اطلاعات، بند ۸ ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی ج.ا.ا.، ماده ۱ قانون حمایت قضایی از بسیج، ماده ۳ قانون روابط موجر و مستأجر، ماده ۱ قانون بکارگیری سلاح در موارد ضروری توسط مأمورین نیروهای مسلح، ماده ۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ... آمده است.

۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات سیروس، ۱۳۳۷، ج ۳۲، ص ۲

۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دهم، ۱۳۷۸، ص ۴۱۳

۳- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۸۱). ضابطین دادگستری تکالیف و مسئولیتها، چاپ اول، ص ۷

به نظر می‌رسد که مراد مقنن از به کار بردن اصطلاح ضابطان قوه قضائیه به جای ضابطان دادگستری این باشد که این ضابطان، بسته به این که رسیدگی به اتهام مرتکب جرم خاص در صلاحیت کدام یک از محاکم باشد، می‌توانند حسب مورد به هر مرجع قضایی اعلام جرم نمایند مثلاً اگر رسیدگی به اتهامات مرتکب در صلاحیت محاکم عمومی، نظامی یا دادگاه ویژه روحانیت باشد این ضابطان، به این مراجع اعلام جرم نموده و موضوع را حسب دستور مقام قضایی پیگیری می‌نمایند.

در ادامه اقسام ضابطان قوه قضائیه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- ضابطان دادگستری:

نخستین بار این اصطلاح در قانون موقتی محاکمات جزایی به کار گرفته شده است.^۱ (آخوندی، ۲۷: ۷۳).

ماده ۱۹ این قانون مصوب ۱۲۹۱ ضابطین عدلیه (دادگستری) را بدین شرح تعریف نموده است: «ضابطین عدلیه عبارتند از مأمورانی که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف، جنحه و جنایت) و به اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب یا متهم از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید به عمل آید...»

ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ تعریف مشابهی در این خصوص ارائه نموده است: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند»

۱- آخوندی، محمود (۱۳۷۳). آیین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

بر تعریف مذکور ایراداتی به شرح زیر وارد شده است:

- همان گونه که ملاحظه می شود در قوانین موضوعه ضابط دادگستری به طور صریح تعریف نشده است بلکه آنچه مدنظر قانونگذار قرار گرفته است احصاء مصادیق و وظایف آن است.

- در این ماده برخی وظایف دیگر به وظایف ضابطان اضافه شده است که از نظر سیستم ضابطی جزو وظایف قضایی مأمورین تحت امر قضات رسیدگی کننده نمی باشد بلکه در قالب وظایف اداری به شمار می آید.

- اجرای تصمیمات قضایی اصطلاح کلی است که اعم از رأی، حکم، قرار و تصمیمات اداری همچون دستور احضار یا جلب متهم، دستور تعیین وقت احتیاطی و رسیدگی را در بر دارد و قانونگذار در ماده موصوف به صراحت مشخص ننموده که کدام یک از موارد از وظایف ضابطین است.

- یکی دیگر از وظایف ضابطین دادگستری ابلاغ اوراق قضایی بیان شده در حالی که ابلاغ اوراق قضایی هیچ گونه ارتباطی با وظایف ضابطین دادگستری ندارد زیرا امری است صرفاً اداری و به هیچ وجه قضایی به شمار نمی آید.^۱

ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تعریف ضابطان دادگستری پرداخته است:

«ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می کنند».

نکته مهم: ضابطین قوه قضائیه را صرفاً قانون تعیین و معرفی می نماید و بدون نص صریح قانون هیچ مأمور یا فردی را نمی توان ضابط دانست. هیأت عمومی دیوان

۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵، جلد اول، ص ۱۴۲

عدالت اداری در رأی شماره ۴۰۷ مورخ ۹۶/۵/۳، آیین نامه‌ای که در مقام توسعه ضابطان دادگستری برآمده بوده را ابطال نموده است. در این دادنامه آمده است: «نظر به اینکه در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ به عنوان قانون حاکم در زمان صدور بخشنامه مورد اعتراض و نیز به موجب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، مقامات و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند از جمله ضابطین شناسایی شده‌اند و در قوانین متعددی از جمله ماده ۳۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب سال ۱۳۹۲، ماده ۱۰۱ قانون کار، ماده ۵ قانون اختیارات مالی و استخدامی سازمان بنادر و کشتیرانی و تشکیل گارد بنادر و گمرکات، ماده ۲۰ قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت، ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع، ماده ۱۹ قانون شکار و صید و ماده ۳۲ قانون هواپیمایی کشوری و ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مشخصاً مامورین دولتی در آن قوانین به طور خاص و صراحتاً به عنوان ضابط دادگستری مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، بنابراین مطابق بند ۵ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و نیز بند ب ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقامات و مامورینی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که لزوماً در قوانین خاص به عنوان ضابط از آنها یاد شده باشد. در ماده ۳ آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ریاست قوه قضاییه نیز تصریح شده است که مامورانی که در قانون صراحتاً به ضابط بودن آنها اشاره نشده اما قانوناً تکالیفی مشابه ضابطان دادگستری به آنها محول گردیده نظیر بازرسان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مشمول این آیین نامه نبوده و حسب مورد مشمول قوانین خاص خود می‌باشند. علیهذا صرف نظر از اینکه اجرای مفاد ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی از شئون مامورین

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و هیأت عمومی در مقام رسیدگی به نحوه اجرای مفاد این ماده از طریق آیین نامه مصوب وزیر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیست، لیکن بند ۳ ماده ۱ و ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی که بازرسین موضوع آیین نامه را ضابط خاص قضایی تلقی کرده است و این در حالی است که در قانون مربوط بازرسین یاد شده به عنوان ضابط دادگستری شناخته نشده‌اند مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تصویب شده و در نتیجه احکام یاد شده در آیین نامه مورد اعتراض مبنی بر ضابط بودن بازرسین مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شوند.»

ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به دو دسته عام و خاص تقسیم شده‌اند:

۱-۱- ضابطان عام

ضابطان عام مأمورانی هستند که صلاحیت عام دخالت در مورد هر جرمی را دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاص نیست. قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، در بند ۱ ماده ۱۵، مأموران نیروی انتظامی را ضابط عام دادگستری دانسته بود که شامل کلیه کارکنان این نیرو اعم از وظیفه و کادر می‌شد. این کلی گویی قانون اخیر موجب بروز اختلافاتی در ضابط بودن یا نبودن مأموران انتظامی شاغل در حوزه‌های ستادی و اداری نیروی انتظامی شده بود.

بند الف ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صراحت اصطلاح ضابطان عام را بکار برده است و آن را «شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی

انتظامی ج.ا.ا. که آموزش مربوط را دیده باشند» می‌داند. با تعریف فوق اختلافی که اخیراً اشاره شد مرتفع گردیده و ضابطان عام دادگستری به صراحت احصاء گردیده‌اند در وقایع اصل بر عدم ضابطیت است مگر اینکه قانون مأموری را به عنوان ضابط پذیرفته باشد و شخص مأمور نیز حائز شرایط لازم باشد.

۲-۱- ضابطان خاص

ضابطان خاص صلاحیت دخالت در جرایم خاص یا شرایط معین را دارند و در غیر از آن جرایم یا بدون تحقق آن شرایط حق مداخله و اقدام ندارند.^۱ در عین حال باید توجه داشت که ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه‌ای خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطین عام در این حوزه را نفی و یا محدود نمی‌کند، بلکه ضابطان عام در همه جرائم تکلیف برخورد دارند.

ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به صراحت اصطلاح ضابطان خاص را «شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند»^۲ می‌داند.

سؤال ذیل در خصوص عدم امکان ارجاع موضوعات در صلاحیت ضابطان عام به ضابطان خاص از اداره حقوقی قوه قضاییه به عمل آمده که به همراه پاسخ آن در ادامه می‌آید:

۱- مصدق، محمد، (۱۳۹۳)، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ ششم، ص ۱۳۷

۲- ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مصداقی از این نوع ضابطان می‌باشد.

سؤال: با عنایت به بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ماده ۳۲ این قانون، خواهشمند است اعلام فرمایید که ارجاع موضوعات مربوط به جرایم عمومی به ضابطان خاص و هم چنین ارجاع مسائلی غیر از وظایف اختصاص یافته به آنها به شرح قوانین خاص مشمول تبصره ماده ۳۲ می‌باشد و آیا در حکم ارجاع به غیر ضابط است یا خیر؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۴/۹۳۶ - ۱۳۹۴/۴/۱۴ پاسخ: «در فرض پرسش اولاً بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که ضابطان خاص را تعریف می‌کند مقرر می‌دارد: «ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند...» که مفهوم آن این است که ایشان در خارج از حدود وظایف محوله، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند.

ثانیاً با توجه به اینکه برابر ماده ۳۰ قانون یاد شده، احراز عنوان ضابط دادگستری، مستلزم فراگیری مهارت‌های لازم و گذراندن دوره‌های آموزشی خاص می‌باشد و علی‌الاصول دوره‌های آموزشی ضابطان عام و خاص متفاوت است و ضابطان خاص، صرفاً در محدوده‌ای که قانون وظایف ضابط بودن را بر عهده ایشان گذاشته است، دوره‌های آموزشی را سپری می‌کنند و در خصوص سایر موارد، ضابط قلمداد نمی‌شوند، بنابراین، ارجاع امر به ضابطان خاص در موضوعات مربوط به جرائم عمومی و نیز مسائلی خارج از وظایف اختصاص یافته به آنها از منظر قانونی، مشمول تبصره ماده ۳۲ قانون یاد شده می‌باشد.»

۲- ضابطان نظامی

ماده ۱۲۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ مقرر داشته: «ضابطین نظامی عبارت از مأمورینی می‌باشند که در حدود مقررات این قانون مکلف به بازرسی و

تحقیق بزه‌هایی که در حدود صلاحیت دادگاه‌های نظامی است بوده و اقداماتی که برای جمع‌آوری دلائل و مدارك مربوطه و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تعقیب قانونی قضیه لازم است به عمل می‌آورند.»

ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح ضابطان نظامی را بدین شرح معرفی نموده است:

«ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۹۴/۷/۱ ریاست محترم قوه قضائیه در پیوست شماره یک همین مجموعه درج شده است. دستور العمل جنبه‌های حفاظتی مراحل معرفی و صدور کارت ضابطان امنیتی (مصوب ریاست محترم قوه قضائیه) نیز در پیوست شماره ۲ همین مجموعه درج شده که موضوع ماده ۱۸ آیین نامه مذکور است.

مبحث دوم: تعاریف مرتبط با ضابطیت

تعاریف ذیل می‌تواند در شناخت و درك بیشتر مفهوم ضابطیت و اقدامات مرتبط با وظایف و اختیارات آنان كمك نماید:

الف) تحقیقات مقدماتی

تحقیق در لغت به معنای بررسی و پژوهش برای رسیدن به واقع امر است.^۱

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۱ از تحقیقات مقدماتی تعریفی نشده بود اما در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷، ماده‌ی ۱۹ به این امر اختصاص یافته در این ماده آمده: «تحقیقات مقدماتی مجموعه‌ی اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله‌ی وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی، تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد...»

تعریفی که قانون‌گذار از تحقیقات مقدماتی کرده، بدون شک ناقص و نارساست؛ زیرا طبق تعریف فوق، اقدامات قاضی تحقیق، خارج از شمول این تحقیقات قرار می‌گیرد.^۱ به همین دلیل برخی از حقوقدانان در تعریف تحقیقات مقدماتی گفته‌اند: تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه اقدامات و تحقیقاتی که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی و یا از سوی قضات تحقیق و نیز سایر مقامات صالح قضایی به منظور تسهیل و تمهید دلایل، اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم با توجه به اصل برائت صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن آماده‌سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است.^۲ با توجه به تعریف بالا می‌توان گفت تحقیقات مقدماتی شامل سه دسته از اعمال قضایی می‌شود:

- الف. جمع‌آوری دلایل و قراین و امارات جرم (اقدامات اثباتی)؛
- ب. جلوگیری از فرار یا پنهان‌شدن متهم و امحای آثار و علایم جرم (اقدامات سلبی)؛

ج. اظهار نظر درباره‌ی بزه‌کار بودن یا نبودن متهم (نتیجه تحقیقات مقدماتی).
ماده ۹۰ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ در بیان تعریف تحقیقات مقدماتی مقرر داشته: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است که از سوی بازپرس یا دیگر

۱- شاملواحمدی، محمد حسین، دادرسی و تحقیقات مقدماتی. چاپ دوم، تهران: نشر دادیار، ۱۳۸۳، ص ۱۷

۲- آشوری، محمد (۱۳۷۹) آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم، جلد دوم، ص ۱۰

مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود».

تبصره ۱ ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر نموده: «اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضائی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضائی انجام میدهند.»

با این اوصاف، تحقیقات ضابطان قضایی را نمی‌توان در زمره تحقیقات مقدماتی تلقی نمود و باید این دو را از هم تفکیک نمود. به طور کلی مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ سه نوع تکلیف را بر ضابطان بار نموده است: ۱ - اقدامات (از قبیل جلوگیری از فرار متهم، حفظ صحنه جرم، اجرای دستورات قضایی، ...)، ۲ - تحقیقات (تحقیق از شکات و متهمان، انجام آزمایشات و ...)، ۳ - تنظیم صورتجلسات و گزارشات (صورتجلسه کشف جرم، دستگیری و اعزام متهم، گزارش وقوع جرم، ...).

ب) جرم مشهود و جرم غیر مشهود

جرائم براساس عنصر مادی و به اعتبار لحظه مشاهده، به مشهود و غیر مشهود تقسیم می‌گردند. پایه و بنای جرم مشهود، که طریق فوق‌العاده رسیدگی است، ضرورت، فوریت و سرعت می‌باشد و تشریفات با طبع جرم مشهود ناسازگار بوده و نقض غرض محسوب می‌شود.^۱

در تعریف جرم مشهود بین حقوق دانان و اساتید حقوق جزا اختلاف نظر وجود دارد و به این ترتیب، تعاریف متعدد و گوناگونی از جرم مشهود به عمل آمده است. ذیلاً به چند مورد از این تعاریف اشاره می‌گردد:

۱- انصاری، ولی الله (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ص ۳۶۳

گفتار سوم: مصادیق قانونی ضابطان قوه قضائیه

در حال حاضر، برابر قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۳ و الحاقیه آن در سال ۱۳۹۳ (قانون آیین دادرسی کیفری نیروهای مسلح)، ضابطان قوه قضائیه بر دو قسم ضابطان دادگستری و ضابطان نظامی می‌باشند.

مبحث اول: ضابطان دادگستری

ضابطان دادگستری به دو قسم ضابطان عام و ضابطان خاص، به شرح آتی می‌باشند.

الف) ضابطان عام

ضابطان عام به آن دسته از ضابطان اطلاق می‌گردد که وظایف و اختیاراتی کلی و عام داشته و شرایط خاصی برای دخل و تصرف در جرائم برای آنان وجود ندارد. در تعریفی دیگر می‌توان گفت: ضابطان عام ضابطانی هستند که در مورد کلیه جرایم، صلاحیت اقدام دارند و وظایف و اختیارات آنها محدود به جرائمی معین یا شرایط خاصی نیست. به عبارت دیگر، ضابطان عام دادگستری مأمورانی هستند که حق مداخله در کلیه جرائم را دارند مگر در مواردی که در قانون برعهده مرجع دیگری گذاشته شده باشد.

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تنها ضابط عام دادگستری محسوب می‌شود. در قانون تأسیس نیروی انتظامی (ماده یک و بند ۸ ماده ۴ همان قانون) وظایف و مأموریت‌های متعددی برعهده نیروی انتظامی گذاشته‌اند که بخشی از این وظایف عبارت‌اند از:

۱ - مبارزه با مواد مخدر

- ۲ - مبارزه با قاچاق
 - ۳ - مبارزه با منکرات و فساد
 - ۴ - پیشگیری از وقوع جرائم
 - ۵ - کشف جرائم
 - ۶ - بازرسی و تحقیق
 - ۷ - حفظ آثار و دلائل جرم
 - ۸ - دستگیری متهم و مجرم
 - ۹ - جلوگیری از فرار و اخفای آنها
 - ۱۰ - اجرا و ابلاغ احکام و تصمیمات قضائی
- یکی از تفاوت‌های بحث ضابطان در ق. آ. د. ك مصوب ۱۳۹۲ با قانون آ. د. د. ع و ا مصوب ۱۳۷۸ در تعیین مأموران ضابط نیروی انتظامی است. در بند ۱ از ماده ۱۵ قانون آ. د. د. ع و ا مصوب ۱۳۷۸ صرفاً به عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ضابط عام اشاره شده بود اما در بند الف ماده ۲۸ ق. آ. د. ك. مصوب ۱۳۹۲ از عنوان «فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند» استفاده شده است. این بند به نحوی اختلاف برداشت موجود در خصوص مأموران ضابط نیروی انتظامی را حل نمود زیرا قبل از این عده‌ای معتقد بودند با توجه به صراحت بند ۱ ماده ۱۵ قانون آ. د. د. ع و ا. در امور کیفری، همه پرسنل نیروی انتظامی ضابط دادگستری محسوب می‌گردند.
- همچنین در ماده ۳۰ ق. آ. د. ك ۱۳۹۲، برای احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن، فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری لازم است.
- به استناد تبصره ماده ۲۹ ق. آ. د. ك مصوب ۱۳۹۲، کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند اما تحت نظارت ضابطان مربوط انجام وظیفه می‌نمایند

و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی مأموران فاقد کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار قلمداد شده است. بنابراین با تصویب ق. آ. د. ک ۱۳۹۲، ضابطان عام دادگستری به صراحت مشخص گردیده‌اند.

نکته مهم: ضابطان عام (پرسنل نیروی انتظامی) از یک سو به عنوان یک نیروی نظامی تحت امر فرمانده خود بوده و از دیگر سوی به عنوان ضابط تحت ریاست و نظارت دادستان و سایر مقامات قضایی زیربط هستند و این دوگانگی، ممکن است ضابطان را در مقابل دستورات متضاد از سوی فرمانده و مقام قضایی قرار می‌دهد. در این مورد باید توجه داشت که وظایف نظامی ضابطان عام مجزای از وظایف ضابطیت آنان بوده و نه مقام قضایی می‌تواند در خصوص وظایف خاص نظامی ضابطان دخالتی نماید و نه فرمانده نظامی می‌تواند در خصوص وظایف ضابطیت آنان دخالت نماید. در همین خصوص رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه: ۷۱ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۸ قابل توجه است: «مطابق ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی به وظایف مقرر در زمینه کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی عمل می‌کند و نیروی انتظامی نیز از جمله ضابطان دادگستری احصاء شده است و در ماده ۱۷ قانون مذکور نیز ریاست و نظارت بر ضابطان بر عهده رئیس حوزه قضایی گذارده شده است. با توجه به مراتب مذکور اعمال نظارت قضایی بر ضابطان ملازمه‌ای با هماهنگی با سلسله مراتب فرماندهی نیروی انتظامی به شرحی که در بخشنامه شماره ۳۱۴۲/۷۰۰/۲۷۲۶ - ۱۳۸۸/۷/۱۵ رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

قید شده است ندارد لذا با استناد به بند یک از ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال بخشنامه مورد اعتراض صادر و اعلام می شود.»

ب) ضابطان خاص

بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر داشته «ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می شوند.»

با تعریف فوق مصادیق قانونی ضابطان خاص به شرح آتی است که البته این ضابطان نیز بر حسب میزان وظایفی که قانون به آنان محول نموده، به دو دسته کلی تقسیم می شوند: دسته اول عبارتند از ضابطان خاصی که مقنن آنان را به صورت کلی برای رسیدگی به جرائم خاصی ضابط شناخته است اعم از گزارش وقوع جرم و انجام تحقیقات بعدی به دستور مراجع قضایی؛ اما دسته دوم مأمورانی هستند که مقنن فقط گزارش آنان را به عنوان گزارش ضابطان دادگستری پذیرفته است و وظیفه دیگری به آنان محول ننموده است.

۱- ضابطان خاص دارای اختیارات کامل

این دسته از ضابطان دارای کلیه اختیارات قانونی لازم در جهت کشف جرایم، دستگیری متهم، انجام تحقیقات مقدماتی و گزارش موضوع به مراجع قضایی می باشند که به شرح زیر تقسیم می شوند:

۱-۱- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان

از آنجا که ضابطان عام در زندان‌ها حضور ندارند و مأموران زندان، کارکنان سازمان زندانها و اقدامات تأمینی کشور هستند، نه مأموران نیروی انتظامی؛ به همین جهت قانونگذار برای حفظ آثار و دلایل جرم در صورت ارتکاب در محیط زندان یا انجام تحقیقات مورد نظر بازپرس در خصوص این جرائم، رؤسای زندان‌ها و معاونان آنها را در مورد جرائم زندانیان به عنوان ضابط شناخته است.

۱-۲- وزارت اطلاعات ج.ا.ا.

به موجب بند ب اصلاحی ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ مأموران وزارت اطلاعات ضابط خاص قوه قضائیه شناخته شده‌اند. همچنین به موجب بند ب ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. مصوب ۱۳۸۳، مأموران وزارت اطلاعات در انجام تحقیقات لازم در کشف مفاسد کلان اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی ضابط دادگستری شناخته شده‌اند. همچنین به موجب بند ب ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. مصوب ۱۳۸۹ وزارت اطلاعات در زمینه پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرائم سازمان یافته ضد امنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی به عنوان ضابط دادگستری شناخته شده است.

در قوانین متفرقه نیز وزارت اطلاعات به صورت ضمنی به عنوان ضابط دادگستری شناخته شده است از جمله ماده ۳۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ که مقرر داشته: «وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی موظفند با هماهنگی مرجع ذیصلاح قضایی، خود یا بنا بر اعلام دستگاه کاشف، شبکه‌های اصلی، گروه‌های سازمان یافته قاچاق کالا و ارز و دارایی‌های آنها را شناسایی و اقدام به تشکیل پرونده و تکمیل تحقیقات نمایند.»

همچنین ماده ۴۴ قانون اصلاحی مبارزه با مواد مخدر (الحاقی ۸۹/۵/۹) مقرر داشته: «وزارت اطلاعات مکلف است ضمن جمع آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین المللی قاچاق سازمان یافته مرتبط با جرائم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آنها با حکم دادستان کل کشور یا قاضی‌ای که او تعیین می‌کند اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذیصلاح نیز اقدام نماید».

بدیهی است که حدود اختیارات ضابطان وزارت اطلاعات محدود به وظایف اخیر الذکر بوده و خارج از وظایف مصرح در قوانین اخیر الذکر، صلاحیتی ندارند.

۳-۱- نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از دیگر ضابطان خاص که در بند ب اصلاحی ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ به آنها اشاره شده مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. برخی بسیجیان با تصویب قانون حمایت قضایی از بسیج در سال ۷۱ با شرایطی به عنوان ضابط دادگستری در جرائم مشهود شناخته شده‌اند. ماده ۱ این قانون مقرر داشته است: «به نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود همانند ضابطین قوه قضاییه هنگام برخورد با جرائم مشهود در صورت عدم حضور ضابطین دیگر و یا عدم اقدام به موقع آنها و یا اعلام نیاز آنان به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به مراجع قضایی اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند.» با توجه به تبصره ۳ همین ماده (اصلاحی ۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی): «ستاد امر به معروف و نهی از منکر با همکاری سازمان بسیج مستضعفین برای مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر موضوع ماده ۴ قانون

حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر^۱ برای افراد مورد نیاز از سازمان بسیج مستضعفین به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر دوره آموزشی برگزار کند».

۴ - ۱) سایر نیروهای مسلح

اصولا نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه وظیفه حفاظت از کشور در برابر تجاوز بیگانه را بر عهده دارند و وظایف انتظامی و تامین نظم و امنیت در شهرها بر عهده نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام قرار دارد. در عین حال ضرورت تقویت نیروی انتظامی در انجام وظایف خود، قانونگذار را بر آن داشته است که در مواردی از سایر نیروهای مسلح نیز به عنوان ضابط دادگستری کمک بگیرد. قسمت اخیر بند ب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری در این خصوص مقرر نموده: «... همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می شوند.»

به نحو مشخص در این زمینه بایستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نام برد که در تبصره ماده ۵ «اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» مصوب ۱۳۶۱، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه‌های ذیل به عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می کند:

- ۱ - مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی، و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می باشند (ماده ۲).
- ۲ - مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند (ماده ۳).
- ۳ - اقدام همانند دیگر نیروهای انتظامی در جهت خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می نمایند (ماده ۴).

۱- ماده ۴ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «مراتب امر به معروف و نهی از منکر قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است».

۴ - همکاری با نیروهای انتظامی در مواقع لزوم، در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور (ماده ۵)

۵-۱- سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در اصلاحات اخیر قانون آیین دادرسی کیفری سازمان اطلاعات سپاه به عنوان ضابط قوه قضائیه معرفی شده است. همچنین به موجب بند دوم ماده ۶ قانون تشکیل وزارت اطلاعات مصوب ۱۳۶۲ واحد اطلاعات سپاه پاسداران به عنوان ضابط قوه قضائیه معرفی شده است. از ماده فوق اینگونه استنباط می شود که واحد اطلاعات سپاه باید به عنوان ضابط دادگستری عملیات اجرایی وزارت اطلاعات را بر عهده داشته باشد به این معنی که کارکنان آن وزارتخانه، وظیفه شان کسب اطلاعات پیرامون هر یک از تکالیفی است که قانون برای آنها تعیین نموده است. چنانچه در حین کسب اطلاعات نیاز به انجام عملیاتی از قبیل دستگیری متهم و بازرسی منزل او پیدا کنند باید مراتب را به واحد اطلاعات سپاه اعلام کنند تا آن واحد پس از کسب مجوز لازم از مقامات قضایی مبادرت به انجام آن نماید.^۱

به خاطر ابهامی که تا قبل از اصلاحات قانون در خصوص ضابط بودن یا نبودن واحد اطلاعات سپاه وجود داشت، در این خصوص بخشنامه ای توسط دادستان محترم وقت کل کشور در تاریخ ۹۲/۱۰/۳۰ صادر گردیده که به خاطر جمع آوری دقیق مقررات مرتبط عینا نقل می گردد: «بنابر استعلام کتبی و تلفنی تعدادی از دادستان های عمومی و انقلاب در خصوص ضابطیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران به آگاهی می رساند با توجه به تبصره ذیل ماده ۵ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۵ مجلس شورای اسلامی و مواد ۲ و ۳ و ۴ و ۵ این اساسنامه و ماده ۴ و بند ۲ ماده ۶ قانون تأسیس وزارت

۱- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، همان، ص ۳۱

اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲/۵/۲۷ مجلس شورای اسلامی، همچنین شرح وظایف سازمان اطلاعات سپاه به عنوان بخشی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب مقام معظم رهبری که طی نامه شماره ۶۰/۱۹/۵۱۴/الف س مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۹ رئیس محترم ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ گردیده است، سپاه پاسداران و سازمان اطلاعات سپاه در مأموریت‌های مورد اشاره در مستندات یاد شده به عنوان ضابط قوه قضاییه محسوب شده و در اجرای بند ۵ ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ضابط قوه قضاییه بوده و می‌بایست با دستور مقام قضائی مبادرت به انجام وظیفه نمایند. لهذا در خصوص مأموریت‌های محوله همکاری لازم به عمل آورید.»

در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب ۱۳۷۸) تشخیص موارد ضرورت استفاده از نیروهای مسلح به عنوان ضابط دادگستری به عهده شورای عالی امنیت ملی بود اما در قانون فعلی تشخیص ضابط بودن سایر نیروهای مسلح را به قانون محول نموده است. تنها مصداق این امر در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ماده ۱۴۴ این قانون است که مقرر داشته: «در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضایی و در حکم ضابط دادگستری است.» شایان ذکر است که در قوانین متفرقه نیز مواردی وجود دارد که نیروهای مسلح را به عنوان ضابط دادگستری شناخته‌اند که به شرح آتی خواهد آمد.

فصل دوم: وظایف ضابطان قوه قضائیه

ضابطان قوه قضائیه در قوانین متعدد به ویژه ق. آ. د. ك دارای تکالیفی شناخته شده‌اند که با توجه به آمره بودن قوانین کیفری، آنان مکلف به انجام تکالیف مذکور می‌باشند. برای این تکالیف تقسیم بندی‌های متفاوتی را می‌توان ارائه نمود. از يك دیدگاه می‌توان این تکالیف را به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم بندی نمود که تکالیف اصلی ضابطان در ماده ۲۸ ق. آ. د. ك ۱۳۹۲ آمده است و سایر تکالیف ضابطان که در مواد متفرقه قانون اخیر آمده در واقع تکالیف فرعی آنان است که به جهت حسن انجام وظایف اصلی، به تصویب رسیده است. در این نوشتار ابتدا وظایف آنان را از حیث اینکه ضابط دادگستری باشند یا نظامی تفکیک نموده و سپس وظایف آنان را در جرایم مشهود، غیر مشهود، اجرای دستور مقام‌های قضایی و در حفظ و رعایت حقوق شهروندی بیان شده است.

گفتار اول: وظایف ضابطان دادگستری

ضابطان دادگستری بازوی اجرایی دادسراها و دادگاه‌ها در انجام وظایفشان هستند. قانون تکالیف زیادی بر عهده ضابطان دادگستری قرار داده که از نخستین لحظه‌های

پس از وقوع جرم تا واپسین دقایق اجرای مجازات را در بر می گیرد و شامل کشف جرم، گزارش وقوع آن به دادسرا، جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم، ممانعت از فرار متهم، انجام دستورات مقام قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می شود.^۱ ضابطان دادگستری به دلیل وظایف حساسی که بر عهده دارند، از اهمیت خاصی در فرایند رسیدگی کیفری برخوردارند و به همین دلیل، قانونگذار وظایف آنان را به موجب قانون مشخص نموده است. در ادامه وظایف ضابطان دادگستری در جرایم مشهود، غیر مشهود و در اجرای دستور مقام قضایی و همچنین وظایف ضابطان دادگستری در حفظ و رعایت حقوق شهروندی خواهد آمد، سپس به بیان وظایف ضابطان نظامی خواهیم پرداخت.

مبحث اول: وظایف ضابطان دادگستری در جرایم مشهود

همچنان که در فصل اول گفته شد جرایم از حیث زمان کشف آن به دو دسته مشهود و غیر مشهود تقسیم می شوند. قانونگذار در خصوص جرایم مشهود مجموعه ای از وظایف استثنایی به ضابطان دادگستری داده است که در جرایم غیر مشهود اینگونه نیست. با توجه به اهمیت دخالت فوری مأموران در جرائم مشهود، احتمال از بین رفتن دلایل جرم در آینده، لزوم قاطعیت در برخورد با مجرم و ایجاد احساس امنیت در شهروندان و بالا رفتن اطمینان آنان به پلیس، قانون تکالیف ویژه ای را هنگام مواجهه با این گونه جرائم برای ضابطین مقرر داشته است.

این افراد مکلفند در جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را برای حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی وی با سایر متهمان انجام

۱- مصدق، محمد، (۱۳۹۳)، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ ششم، ص ۱۳۶

داده و تحقیقات لازم را به عمل آورده و بلافاصله مراتب را به اطلاع مقام قضایی برسانند. اینک به بررسی اهم وظایف ضابطان دادگستری در مواجهه با جرم مشهود می‌پردازیم:

الف) کشف جرم

به موجب ماده ۲۸ ق. آ. د. د. ك. مصوب ۱۳۹۲ یکی از وظایف اصلی ضابطان کشف جرم عنوان شده است. این وظیفه در ق. آ. د. د. ك. مصوب ۱۳۷۸ در بند ۱ از ماده ۱۵ آمده بود. امروزه یکی از وظایف اصلی ضابطان دستگاه عدالت کیفری، کشف جرم و جمع آوری دلایل و ارائه آن به تشکیلات قضایی است. با توجه به تعریف جرم مشهود (که در فصل اول به آن پرداختیم)، کشف جرایم مشهود توسط ضابطان، ناظر به مواردی است که در ماده ۴۵ ق. آ. د. د. ك. مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره شده است.

شاید این گونه تصور شود که در جرایم مشهود نیازی به اقدام برای کشف جرم نیست، یعنی جرایم مشهود فاقد مرحله کشف می‌باشند؛ اما باید به این نکته توجه کرد که مهم‌ترین ویژگی جرایم مشهود که اجازه اقدامات ضابطان را بدون دستور مقام قضایی فراهم می‌کند کشف آن جرایم توسط ضابطان است.

در جرایم مشهود عمده طریق کشف جرم و اثبات آن همان دلایل سنتی از قبیل مشاهده مرتکب جرم در حین ارتکاب جرم توسط ضابطان، معرفی مرتکب جرم توسط بزه دیده یا شهود، احراز تعلق اسباب، آلات و ادله جرم به متهم، اقرار متهم بلافاصله پس از وقوع جرم و معرفی خود و سایر موارد مذکور در ماده ۴۵ ق. آ. د. د. ك. می‌باشد. ضابطان دادگستری امروزه با استفاده از پیشرفت‌های حاصل شده در حوزه کشف

علمی جرایم از قبیل تشخیص هویت (عکاسی، چهره نگاری و انگشت نگاری)، بررسی صحنه جرم و بررسی آزمایشگاهی، نتایج یافته‌های خود را در زمینه وقوع عمل مجرمانه و سایر مسائل مرتبط، در اختیار دستگاه قضایی قرار می‌دهند. آیین نامه اجرایی حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم مصوب ۹۶/۶/۲۸ رئیس قوه قضائیه در پیوست سوم همین مجموعه درج شده است.

ب) حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم

در فرایند رسیدگی کیفری حفظ آثار، علائم و ادله وقوع جرم از اهمیت بسزائی برخوردار است؛ با توجه به اهمیت و نقش مؤثر دلایل مادی موجود در صحنه جرم برای اثبات وقوع جرم، شناسایی مجرم و نیز اثبات بیگناهی کسانی که بی جهت در مظان اتهام قرار گرفته‌اند، قانون ضابطان را مکلف نموده است آثار، علائم و ادله وقوع جرم را حفظ و جمع آوری نمایند. یکی دیگر از جنبه‌های اهمیت دلایل مادی مکشوفه از صحنه جرم، غیرممکن بودن رد و انکار این قبیل آثار و دلایل است.

حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم در تمامی جرایم از وظایف ضابطان است که در جرایم مشهود رأساً اقدامات لازم و قانونی را انجام داده و در اسرع وقت مراتب را به اطلاع دادستان می‌رسانند و سپس تحت تعلیمات و نظارت دادستان و مقامات قضایی اقدام می‌نمایند، بر خلاف جرایم غیرمشهود که با دستور و اجازه مقام قضایی انجام می‌شود.

محل وقوع جرم می‌تواند يك محیط بسته و محصور مانند اتاق و مغازه یا يك محیط باز مانند معابر و خیابانها و یا يك محیط وسیعتر و خارج از شهر مانند بیابان، صحرا و جاده‌های خارج از شهر باشد. ضابطان مکلفند بسته به موقعیتی که جرم در آن وقوع

یافته، با تکیه بر آموزشهایی که دیده‌اند؛ آثار و علایم وقوع جرم را حفظ و ادله وقوع جرم را جمع‌آوری نمایند.

پ) جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم

برابر اصل سی و دوم قانون اساسی ج. ا. ا: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...». پس اصل بر ممنوعیت دستگیری افراد است مگر در موارد مصرح قانونی که همانا صدور دستور جلب از سوی مقامات قضایی و یا ارتکاب جرم مشهود است. ماده ۴۴ ق. آ. د. ک. مصوب ۱۳۹۲، به ضابطان دادگستری این اجازه را داده است که در جرایم مشهود از فرار یا مخفی شدن متهم جلوگیری نمایند.

در این قانون نه تنها به ضابطان اجازه دستگیری متهم داده شده بلکه به موجب تبصره ۱ ماده ۴۵ در برخی جرایم مشهود (شامل جرایم موجب مجازات سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی افراد با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن و همچنین جرایم موجب مجازات درجه ۴ و بالاتر) در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، به تمام شهروندان اجازه داده شده که اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.

در خصوص دستگیری متهم در جرائم مشهود سؤالاتی از اداره حقوقی قوه قضائیه به عمل آمده که متن سؤالات و نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه در ادامه نقل می‌گردد:

سؤال:

۱- با توجه به مهلت تعیین شده در مواد ۴۷ و ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ آیا ضابطان می‌توانند در جرائم مشهود مطابق ذیل ماده ۴۶ تا بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند؟ زیرا وقتی پرونده به نظر قاضی کشیک برسد خود وی دستور تحت نظری را صادر خواهد نمود.

۲- در پاسگاههای دور افتاده برون شهری که با شهر کیلومترها فاصله دارند چنانچه به عنوان مثال سارق مسلح یا شرکت کنندگان در نزاع دسته جمعی را ۲۴ ساعت یا بعد از آن دستگیر نمایند اجرای مواد ۴۷ و ۴۹ به چه صورت خواهد بود؟ (به خصوص در زمستان).

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۵۹۲ - ۷/۷/۱۳۹۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه:

«۱- ضابطان در جرائم مشهود، مطابق قسمت اخیر ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ باید بلافاصله موضوع اتهام و ادله آن را به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم نمایند و مراتب را فوری به اطلاع دادستان برسانند و چنانچه نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، حداکثر متهم را تا ۲۴ ساعت نگهدارند و در این فاصله باید متهم را به قاضی کشیک یا دادستان معرفی کنند تا مقامات مذکور در مورد متهم، تصمیم مقتضی اتخاذ فرمایند.

۲- مطابق ماده ۴۷ قانون مارالذکر، چنانچه شخص در خارج از وقت اداری به لحاظ ارتکاب جرم تحت نظر قرار گیرد، ضابطان مکلفند حداکثر ظرف یک ساعت، مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اعلام نمایند. مقامات قضایی مذکور نیز در صورت ضرورت با حضور در محل، متهم را تحت نظر قرار دهند و اگر فاصله متهم

تا دادسرا یا مقامات قضایی زیاد باشد، دستور اقدامات مقتضی را به ضابطان داده که حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، متهم را به دادستان یا قاضی کشیک معرفی کنند.»

در مواردی که جرم در خارج از وقت اداری اتفاق افتاده و یا متهم در خارج از وقت اداری دستگیر شده، ضابطان در خصوص وظایف قانونی خود، با قاضی کشیک دادسرا و یا دادگاه تعامل می نمایند. دستورالعمل فوریت های قضایی و نحوه عملکرد واحد کشیک (مصوب ریاست محترم قوه قضاییه) در پیوست شماره ۴ همین مجموعه آمده است.

ت) انجام تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی در معنای وسیع کلمه به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که از زمان وقوع جرم آغاز و با کشف جرم، اقدام برای دسترسی به متهم، جمع آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم، انجام بازجویی، صدور قرار تأمین و اظهار نظر راجع به بزهکاری یا بی گناهی متهم، خاتمه پیدا می کند.^۱

ماده ۹۰ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علایم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می شود».

از ظاهر ماده فوق چنین بر می آید که انجام تحقیقات مقدماتی فقط توسط بازپرس انجام می شود، ولی با توجه به اینکه ماده ۲۸ یکی از وظایف اصلی ضابطان را انجام

۱- موذن زادگان، حسنعلی (۱۳۸۹)، تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی،

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸، ص ۳۰۳

تحقیقات مقدماتی برشمرده است، بنابراین با جمع مواد قانونی اخیرالذکر چنین نتیجه گرفته می‌شود که علاوه بر بازپرس ضابطان دادگستری نیز مکلف به انجام تحقیقات مقدماتی هستند.

ماده ۶۱ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ بیان نموده: «تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است». از این رو تکالیف ناظر بر انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان، همان مواردی است که در مبحث اول از فصل چهارم این قانون (اختیارات بازپرس و حدود آن) آمده است.

ث) مطلع نمودن دادستان از تحقیقات انجام شده در اسرع وقت

همچنان که در گفتار پایانی فصل اول اشاره شد، کشف جرم و انجام تحقیقات مقدماتی اصالتاً از وظایف دادستان و مقامات دادرست و ضابطان دادگستری در صورت عدم حضور آنان، به نیابت مکلف به انجام تحقیقات می‌باشند. لذا قاعده فوق این تکلیف را برای ضابطان ایجاد می‌نماید که تحقیقات انجام شده در رابطه با جرایم مشهود را در اسرع وقت به نظر دادستان برسانند تا تحقیقات مطابق روالی قانونی پیش رود که ارزش قضایی داشته باشد.

برابر ماده ۴۶ ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. همچنین در مواد ۴۷ و ۴۹ قانونگذار ضابطان را مکلف نموده که حداکثر ظرف یک ساعت از زمان تحت نظر قرار دادن متهم، مراتب را در هر ساعت از شبانه روز، به اطلاع دادستان یا قاضی کشیک برسانند و حسب دستور این مقامات عمل نمایند.

مبحث دوم: وظایف ضابطان دادگستری در جرایم غیر مشهود

تکالیفی که در جرایم مشهود برای ضابطان مقرر گردیده و رأساً به نیابت از دادستان و مقامات دادسرا به انجام آن مبادرت می نمایند به لحاظ ضرورت مداخله مقامات رسمی جهت حفظ صحنه جرم و جلوگیری از فرار متهم بوده و لذا این تکالیف در مورد جرایم غیر مشهود مصداق نداشته و به جرایم غیر مشهود سرایت نمی نماید. ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم غیر مشهود ابتدا باید بررسی کنند موضوع در حیطه کاری آنان است یا مربوط به مرجع انتظامی دیگری است. پس از آن که مشخص گردید موضوع در محدوده کاری همان مرجع است مراتب را جهت کسب تکلیف و صدور دستورات لازم به مقام قضایی ذیصلاح اعلام می کنند.

علاوه بر این، مقنن در خصوص جرم مشکوک در ماده ۴۳ مقرر نموده: «هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می کند».

مبحث سوم: وظایف ضابطان دادگستری در اجرای دستورهای مقامات قضایی

وظیفه عام ضابطان دادگستری، اجرای دستورات مقامات قضایی است که در این مبحث مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد.

الف) وظایف ضابطان در احضار متهم

پیش بینی مقدمات و تشریفات قانونی برای احضار و جلب متهمان، ضامن ایجاد احساس امنیت قضایی و عادلانه بودن دادرسی کیفری در میان شهروندان خواهد بود. حقوقدانان احضار را دعوت مرجع قضایی از یک شخص برای حضور در مرجع قضایی تعریف نموده اند.^۱ در واقع احضار دعوت مرجع قضایی از متهم، با کفایت ادله توجه اتهام به وی، برای حضور نزد مرجع قضایی جهت پاسخگویی به اتهام انتسابی است. احضار متهم تنها در اختیار مقام قضایی صالح است و ضابطان دادگستری راساً از چنین اختیاری برخوردار نیستند و تنها وظیفه اجرای دستور قضایی جهت احضار متهم را برعهده دارند.

مقدمات قانونی برای احضار متهمین عبارت است از اینکه اولاً: فرد مرتکب جرم غیر قابل گذشتی شده و یا در صورت ارتکاب جرائم قابل گذشت، شکایتی مطرح شده باشد؛ ثانیاً: ادله کافی برای توجه اتهام به متهم وجود داشته باشد (ماده ۱۶۸).

تشریفات قانونی برای صدور احضاریه در مواد ۱۶۹ الی ۱۷۷ ق. آ. د. ک. مصوب ۱۳۹۲ آمده است. ماده ۱۶۹ مصوب نموده: «احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می گردد و نسخه دیگر پس از امضاء به مأمور ابلاغ مسترد می شود» ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می شود و هرگاه شخص احضار شده بی سواد باشد، مأمور ابلاغ مفاد احضاریه را به وی تفهیم می کند. (مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲).

۱- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۸۸)، موارد عدول از دادرسی عادلانه در حقوق کیفری ایران، ص ۷۰

بنابراین ابلاغ احضاریه به عنوان یکی از اوراق قضایی از وظایف ضابطان دادگستری است که در ماده ۲۸ ق. آ. د. ک به آن اشاره شده است. احضارنامه برابر ماده ۱۷۰ به امضاء مقام قضایی می‌رسد. این نکته قابل توجه است که در قانون سابق، تصریحی بر امضای احضاریه توسط مقام قضایی وجود نداشت و به همین علت با دستور قاضی، مدیر دفتر شعبه و یا حتی ضابطان دادگستری احضاریه را صادر می‌نمودند اما این رویه با قانون جدید منطبق نیست.

مواد ۱۷۵ و ۶۵۵ ق. آ. د. ک. و تبصره‌های آن استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را برای ابلاغ احضاریه پیش‌بینی نموده است لکن مقررات فوق مربوط به استفاده مراجع قضایی از این سامانه‌ها بوده و ضابطان دادگستری دسترسی به این سامانه‌ها را ندارند. قوه قضائیه اخیراً با راه‌اندازی سامانه «ثنا» گام مهمی در جهت تضمین صحت ابلاغ اوراق قضایی برداشته و بار ابلاغ را از دوش ضابطان تا حدود زیادی برداشته است. هر فرد با ثبت نام در این سامانه (از طریق دفاتر خدمات قضایی) کلیه ابلاغیه و احضاریه‌ها را در سامانه الکترونیکی خود دریافت می‌نماید و کمتر نیاز به ابلاغ توسط ضابطان وجود دارد.

ب) وظایف ضابطان در جلب متهم

جلب در لغت به معنی کشیدن، بردن، ربودن، کشاندن و آوردن آمده است.^۱ در اصطلاح حقوق جزا عبارت است از دستگیری شخص معین و هدایت او نزد دادگاه یا

۱- معین، دکتر محمد، فرهنگ فارسی معین، موسسه انتشاراتی امیرکبیر، ج اول، چ هشتم، ۱۳۷۱، ص ۱۲۳۶

گفتار دوم: وظایف ضابطان نظامی

ضابطان نظامی در محدوده صلاحیت محاکم نظامی، اجرای کلیه وظایف ضابطان دادگستری را بر عهده دارند مضاف بر اینکه تکالیفی اختصاصی را به موجب قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح بر عهده دارند که این وظایف اختصاصی به شرح ذیل است:

الف) اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضائی عمومی در یگانهای نظامی و انتظامی

تبصره ۳ ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگانهای نظامی و انتظامی را به ضابطان نظامی محول نموده است. آشنایی ضابطان نظامی هر یگان با افراد و محیطی که در آن خدمت می کنند، می تواند آنان را در اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی کمک نماید. از این رو می توان گفت ضابطان نظامی مکلفند تمامی دستورات مراجع قضایی عمومی و اختصاصی را در یگانهای نظامی و انتظامی به انجام برسانند.

ب) نقل و انتقال متهمان و محکومان دادرسی و دادگاههای نظامی

ماده ۶۱۰ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مقرر می دارد: «نقل و انتقال متهمان و محکومان دادرسی و دادگاههای نظامی به عهده دژبان یگانهای نیروهای مسلح ذی ربط است و در صورتی که یگان مربوط در محل، دژبان نداشته باشد، توسط نیروی انتظامی انجام می گیرد، مگر اینکه مرجع قضایی دستور خاصی صادر نماید که در این صورت برابر دستور انجام می شود، در هر صورت هزینه نقل و انتقال به عهده یگان بدرقه کننده است».

در سابق نیز مطابق ماده ۲۱۰ قانون استخدام نیروی انتظامی ج.ا.ا بدرقه متهمان و محکومان وظیفه نیروی انتظامی بوده و آیین نامه اجرایی آن در سال ۱۳۹۱ به تصویب هیأت وزیران رسیده است. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ ماده ۲۱۰ قانون استخدام نیروی انتظامی ج.ا.ا در خصوص متهمان نظامی تخصیص خورده است. اما در هر حال انتقال و بدرقه متهمان غیر نظامی محاکم نظامی (شرکاء و معاونان جرم نظامی) بر عهده نیروی انتظامی است.

پ) گزارش نمودن فرار کارکنان وظیفه تحت امر

بزه فرار از خدمت، بزه اختصاصی نظامیان است که موضوع مواد ۵۶ تا ۷۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ می باشد. فرار از خدمت پرسنل کادر و وظیفه در زمان صلح، جنگ و درگیری های مسلحانه مقررات خاصی دارد که در مواد مذکور بیان گردیده است.

ماده ۶۱۱ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح یگانهای نظامی و انتظامی را مکلف نموده، گزارش فرار کارکنان وظیفه تحت امر خود را بلافاصله به حوزه وظیفه عمومی اعزام کننده، دژبان مربوط و فرماندهی انتظامی محل سکونت افراد مزبور اعلام نمایند

ت) شناسایی و دستگیری کارکنان وظیفه فراری و تحویل به دادسرای نظامی

تبصره ماده ۶۱۱ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح مأموران انتظامی و دژبان نظامی را مکلف نموده تا کارکنان وظیفه فراری موضوع این ماده را پس از شناسایی، برابر مقررات دستگیر و به دادسرای نظامی محل دستگیری تحویل دهند.

ث) سایر وظایف ضابطان نظامی

ماده ۶۱۲ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح بیان می‌دارد: «سایر وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های ضابطان نظامی در محدوده صلاحیت دادرسی و دادگاههای نظامی به شرحی است که برای ضابطان دادگستری مقرر شده است».

بنابراین، با توجه به بیان وظایف ضابطان دادگستری در ابتدای این فصل، از تکرار آن خودداری می‌گردد. بدیهی است ضابطان نظامی همچون ضابطان دادگستری مکلفند وظایف خود را در جرایم مشهود، غیر مشهود و در اجرای دستور مقام قضایی با رعایت و حفظ حقوق شهروندی مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری در محدوده صلاحیت‌های دادرسی و دادگاههای نظامی به انجام برسانند.

فصل سوم:

حمایت از ضمانت اجرای ایفای وظایف ضابطان قوه قضائیه

با توجه به مباحثی که در فصول گذشته راجع به ضابطان قوه قضائیه و وظایف آنان گفته شد، بدیهی است که به جهت حمایت از این ضابطان و همچنین نظارت بر عملکرد آنان، لازم است که ساز و کارهای تشویقی و تنبیهی لازم برای آنان در نظر گرفته شود تا وظایف خود را با آرامش و دقت بیشتری به انجام رسانند. در این فصل به تفکیک حمایت‌های قانونی و ضمانت اجرای ایفای وظایف ضابطان، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: حمایت‌های قانونی از ضابطان قوه قضائیه

در کنار تکالیفی که مقنن برای ضابطان قوه قضائیه مقرر داشته، حمایتها و حقوقی را نیز برای آنان پیش بینی نموده تا ضابطان از جهت اقداماتی که بنا به وظیفه خود علیه متهمان و مجرمان به انجام می‌رسانند، در برابر آنان بی دفاع نمانند. البته به نظر می‌رسد که با توجه به تکالیف قانونی سنگینی که مقنن بر دوش ضابطان نهاده، توقع می‌رفت که حمایت‌های بیشتری از ضابطان به عمل می‌آمد تا انگیزه کافی برای تن دادن به این وظایف در مأموران مربوط به وجود می‌آمد.

- ح - کمک به بازسازی صحنه جرم در صورت لزوم؛
- خ - نظارت بر نحوه انتقال جسد؛
- د - در صورت اقتضاء، جمع آوری نمونه‌های زیستی به جامانده روی قربانی یا متهم؛
- ذ - عنداللزوم جمع آوری نمونه‌های غیر زیستی از صحنه جرم که در تعیین علت فوت موثر باشد؛
- ر - جمع آوری سایر ادله‌ای که در تعیین علت و نحوه فوت موثر باشد.
- ماده ۱۶ - اختیارات و وظایفی که در این آیین نامه برای بازپرس ذکر شد، در مورد سایر مقامات قضایی ذی صلاح در مواجهه با صحنه جرم نیز جاری است.
- ماده ۱۷ - ضابطان دادگستری پس از حضور مقام قضایی در صحنه جرم، تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به وی تسلیم و بر اساس دستور وی عمل می‌کنند.
- ماده ۱۸ - دولت مکلف است در اجرای ماده ۵۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری اعتبارات مورد نیاز اجرای این آیین نامه را حسب مورد در ردیف مستقل در بودجه سالیانه پیش بینی و درج نماید.
- ماده ۱۹ - این آیین نامه در ۱۹ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۹۶/۶/۲۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.

پیوست سوم: دستورالعمل فوریت‌های قضایی و نحوه عملکرد واحد کشیک (مصوب ریاست محترم قوه قضائیه)

در اجرای تکالیف مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات الحاقات بعدی از جمله مواد ۴۷، ۶۹، ۹۵، ۱۸۶ و ۲۲۶، مبنی بر ضرورت پذیرش شکایات کتبی و شفاهی مراجعین در تمامی اوقات و انجام اقدامات فوری در

پرونده‌های قضایی، دستورالعمل فوریت‌های قضایی و نحوه عملکرد واحدهای کشیک به شرح زیر ابلاغ می‌شود:

الف) ساختار و تشکیلات:

ماده ۱. به منظور انجام وظایف قضایی و پذیرش و پیگیری شکایات فوری و ضروری مراجعان و گزارش ضابطان دادگستری در ساعات غیر اداری و ایام تعطیل، در هر حوزه قضایی، واحد کشیک قضایی به ترتیب زیر تشکیل می‌شود:

۱) حداقل یک واحد در دادرسی هر حوزه قضایی شهرستان و یک واحد در دادرسی نواحی کلان شهرها به پیشنهاد دادستان حوزه مربوط و تأیید رییس کل دادگستری استان.

۲) حداقل یک واحد کشیک از دادگاه کیفری ۲ در هر شهرستان و در صورت لزوم دادگاه کیفری یک، به پیشنهاد رییس دادگستری شهرستان و تأیید رییس کل دادگستری استان برای رسیدگی به جرایمی که مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود. همچنین، در صورت لزوم و به تشخیص رییس کل دادگستری استان به تعداد لازم در کلان شهرها واحد کشیک در مجتمع‌های قضایی تشکیل می‌شود.

تبصره. قاضی کشیک دادگاه کیفری ۲ علاوه بر رسیدگی به پرونده‌های جزایی، مجاز به رسیدگی به پرونده‌های فوریت‌های قضایی در امور حقوقی نظیر ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مصوب ۱۳۹۳ مجلس شورای اسلامی نیز می‌باشد. ۳) (یک واحد کشیک در دادگاه‌های عمومی بخش به پیشنهاد رییس دادگاه و تأیید رییس کل دادگستری استان.

ماده ۲. هر واحد کشیک از یک نفر قاضی، یک نفر از کارکنان اداری که دارای سوابق و تجربه کافی باشد و یک نفر از کارکنان پشتیبانی تشکیل خواهد شد.

ماده ۳. اعضاء واحد کشیک از میان قضات و کارکنان اداری داوطلب دادسراها و دادگاه‌ها انتخاب می‌شوند و در صورت نبود داوطلب به صورت نوبتی تعیین خواهد شد. جابجایی اعضای کشیک حسب مورد با موافقت دادستان یا رییس حوزه قضایی مربوط مجاز می‌باشد و مراتب عنداللزوم باید به مراجع مربوط مانند ضابطان اعلام شود.

تبصره. تعیین قضات زن برای کشیک در صورت ضرورت و با تشخیص دادستان بلامانع است.

ب (برنامه کشیک):

ماده ۴. برنامه کشیک حوزه‌های قضایی مشتمل بر تعداد اعضا، تعیین زمان شروع و خاتمه و نحوه انجام کشیک، با رعایت مفاد این دستورالعمل و با لحاظ نوع و تعداد پرونده، تعداد قضات و کارکنان شاغل، کثرت مراجعان و شرایط جغرافیایی و اجتماعی، به صورت سه ماهه در هر حوزه قضایی حسب مورد به پیشنهاد دادستان و یا رییس حوزه قضایی و تأیید رییس کل دادگستری استان صورت می‌پذیرد. زمان کشیک همه روزه بعد از وقت اداری است. نحوه و زمان استقرار واحد کشیک حسب مورد به تشخیص رییس کل دادگستری و دادستان مربوط خواهد بود.

تبصره ۱. در مواردی که بنا به ضرورت، «کشیک شب» ایجاد می‌شود، زمان آن حداکثر ۴ ساعت خواهد بود.

تبصره ۲. دادستان‌های مراکز استانها به تشخیص رییس قوه قضاییه، علاوه بر کشیک مذکور در تبصره ۱، می‌توانند همه روزه از ساعت ۲۴ تا ۵ بامداد یکی از معاونین یا یکی از قضات باتجربه دادسرا را به عنوان کشیک فوق العاده معرفی نمایند. حق الزحمه کشیک مذکور دو برابر روز محاسبه خواهد شد.

ماده ۵. فهرست قضات کشیک و برنامه زمانی و اصلاحات آن حسب مورد با دستور دادستان و یا رئیس حوزه قضایی به قضات و کارمندان کشیک ابلاغ می‌شود.

ماده ۶. برنامه زمان بندی کشیک در ابتدای هر ماه به اطلاع ضابطین می‌رسد و تأکید می‌شود که ضابطان از ارجاع پرونده‌های عادی در زمان کشیک خودداری نمایند و صرفاً موارد واجد فوریت به واحد کشیک ارسال شود.

تبصره. موارد فوری، پرونده‌هایی است که اتخاذ تصمیم سریع درباره آنها ضرورت داشته باشد از قبیل انجام اقدامات لازم در صورت وقوع قتل یا فوت مشکوک و تعیین تکلیف متهمان و محکومان تحت نظر و جلب شده و متهمان پرونده‌های منتهی به فوت مجنی علیه.

ماده ۷. قضات کشیک مکلفند بر اساس برنامه زمانی، حداقل سه ساعت در محل کشیک حضور داشته و خارج از این زمان تا نوبت بعدی کشیک یا وقت اداری، در حوزه قضائی مربوط در دسترس باشند و به نحو مقتضی نسبت به فوریت‌های قضایی تعیین تکلیف نمایند.

ماده ۸. در حوزه‌های قضایی که ایجاد واحد کشیک ضرورت نداشته باشد، رئیس حوزه قضایی یا دادستان مربوط مکلف است شخصاً یا با تعیین یکی از قضات، به عنوان "کشیک در دسترس" نسبت به انجام فوریت‌های قضایی به نحو مقتضی اقدام کند.

پ) میزان و نحوه پرداخت حق کشیک:

ماده ۹. میزان پرداخت حق کشیک، به هریک از اعضا (قاضی، کارمند اداری و پشتیبانی) با توجه به ساعات کار مقرر در این آیین نامه، بر مبنای ضوابط اضافه کار می‌باشد.

ماده ۱۰. حق کشیک در روزهای تعطیل و کشیک شب یک و نیم برابر و در تعطیلات متوالی بیش از دو روز در حوزه‌های قضایی که ۵ شنبه‌ها تعطیل است و بیش از یک روز در سایر حوزه‌ها، دو برابر روزهای عادی می‌باشد و برای قضات کشیک در دسترس دادسرا یا دادگاه بخش با لحاظ عوامل مذکور در ماده ۳ دستورالعمل از قبیل نوع و تعداد پرونده، از یک هشتم تا یک چهارم حق کشیک موضوع ماده ۹ دستورالعمل، به تشخیص رییس کل دادگستری پرداخت می‌شود. در مورد اخیر در صورتی که رسیدگی به پرونده در وقت کشیک مستلزم حضور قاضی در محل کشیک باشد، معادل حق کشیک به تشخیص رییس حوزه قضایی پرداخت خواهد شد.

تبصره. در خصوص کشیک ویژه قتل در صورتی که مبادرت به معاینه جسد نمایند، حق کشیک ویژه با تصویب معاونت راهبردی قوه قضاییه پرداخت می‌شود. ماده ۱۱. در حوزه‌های قضایی که بیش از یک واحد کشیک فعالیت می‌نماید، حق الزحمه اعضای هر واحد جداگانه محاسبه و پرداخت می‌گردد.

ماده ۱۲. معاونت راهبردی قوه قضاییه هر ۳ ماه، اعتبار کشیک دادگستری کل استان‌ها را بر اساس آمار عملکرد و گزارشاتی که با ذکر مشخصات اعضای هر واحد و قید ساعات کشیک ارسال می‌شود، محاسبه، تخصیص و ابلاغ خواهد کرد. تبصره. روسای کل دادگستری مکلفند گزارش پرداخت‌های مالی کشیک را بر اساس فرم ارسالی از معاونت راهبردی تنظیم و به آن معاونت ارسال نمایند. (ت سایر مقررات:

ماده ۱۳. قضات موظفند پرونده‌های ارجاعی را در وقت اداری تعیین تکلیف کنند و از محول نمودن آن به وقت کشیک خودداری نمایند.

ماده ۱۴. قضات موظفند به منظور تسهیل در انجام امور افراد جلب شده در وقت کشیک، کلیه اطلاعات لازم از قبیل مشخصات متهم یا محکوم، علت جلب، نام

شاکی، نوع اتهام، میزان خسارت وارده به شاکی خصوصی و میزان محکومیت مالی را در برگ جلب درج نمایند. در جرائمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم یا محکوم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت جلب ذکر نمی‌شود.

تبصره. مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه مکلف است امکان درج اطلاعات مربوط به متهمان و محکومان جلب شده را در مرحله تحقیقات مقدماتی و اجرای حکم، در سامانه مدیریت پرونده قضایی (سمپ) فراهم نماید.

ماده ۱۵. دادگستری استان‌ها مکلف هستند نسبت به استقرار سامانه سمپ و دسترسی واحدهای کشیک به آن با همکاری مرکز آمار و فناوری اطلاعات اقدام نمایند.

ماده ۱۶. روسای کل دادگستری‌ها مکلفند در پایان هر سال، خلاصه آمار عملکرد واحدهای کشیک استانی را به تفکیک هر یک از واحدهای کشیک جهت بررسی و اقدام مقتضی به دادستان کل کشور ارسال نمایند.

ماده ۱۷. روسای کل دادگستری‌ها و دادستانهای مراکز استان موظفند شخصاً یا از طریق یکی از معاونان بر فعالیت واحدهای کشیک نظارت نمایند و در صورت مشاهده تخلف مراتب را به مبادی ذیربط گزارش کنند.

ماده ۱۸. معاونان مالی و پشتیبانی دادگستری استانها موظفند امکانات لازم و مطلوب از قبیل مکان، تلفن، دورنگار و خودرو را در اوقات کشیک فراهم نمایند.

ماده ۱۹. دادستان کل کشور بر حسن اجرای این دستورالعمل نظارت دارد و گزارش سالانه آن را به رئیس قوه قضائیه ارائه خواهد کرد.

ماده ۲۰. این دستورالعمل در ۲۰ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۹۵/۱۰/۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و کلیه مقررات و ضوابط مغایر با آن ملغی می‌باشد.

پیوست چهارم: فرم پیشنهادی تفهیم حقوق متهم توسط ضابطان در بدو بازداشت و بازجویی:

- «بسمه تعالی. در ساعت - - - - مورخ - - - - متهم - - - - در نزد - - - - به عنوان ضابط دادگستری، حضور دارد قبل از شروع به بازجویی، در اجرای ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری، خطاب به متهم اعلام می‌گردد که حقوق شما در طول مدت بازداشت و بازجویی نزد این مرجع به شرح آتی است که به شما تفهیم می‌گردد:
- ۱- حق داشتن وکیل (مواد ۵ - ۴۸ - ۱۹۰ - ۳۴۶ - ۳۸۵ ق.آ.د. ک)
 - ۲- اطلاع یافتن از موضوع و ادله اتهام ظرف یک ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن و یا جلب شدن (ماده ۴۶ و تبصره ماده ۱۸۵ ق.آ.د. ک).
 - ۳- امکان اطلاع دادن به خانواده و یا آشنایان خود در مورد تحت نظر و یا جلب شدن (ماده ۵۰ ق.آ.د. ک)
 - ۴- مورد معاینه قرار گرفتن توسط پزشک (ماده ۵۱ ق.آ.د. ک).
 - ۵- انجام تحقیق از متهمان زن توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی (ماده ۴۲ ق.آ.د. ک).
 - ۶- ممنوعیت تحت نظر قرار گرفتن متهم بیش از ۲۴ ساعت (ماده ۴۶ و تبصره ماده ۱۸۵ و تبصره ماده ۱۸۹ ق.آ.د. ک).
 - ۷- حق یک ساعت ملاقات با وکیل در تحت نظرگاه (ماده ۴۸ ق.آ.د. ک).
 - ۸- حق تماس با خانواده یا آشنایان خود (ماده ۵۰ ق.آ.د. ک).
 - ۹- حق مطلع شدن از حقوق قانونی خود (ماده ۵۲ ق.آ.د. ک).
 - ۱۰- حق امضاء نمودن اوراق بازجویی به جای اخذ اثر انگشت (تبصره ماده ۵۳ ق.آ.د. ک).
 - ۱۱- ممنوعیت اجبار و اکراه متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سؤالات تلقینی یا اغفال کننده یا خارج از موضوع اتهام در بازجویی‌ها (ماده ۶۰ ق.آ.د. ک)

۱۲- ممنوعیت تحمیل هر گونه هزینه به متهم (ماده ۵۶۰ ق.آ.د.ک.)

۱۳- حق سکوت (ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک)

۱۴- حق نوشتن اظهارات توسط خود متهم (ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک)

پس از قرائت و تفهیم حقوق فوق به متهم، وی اظهار داشت متوجه حقوق خودم
شدم مراتب در حضور حاضرین ذیل تأیید و امضاء گردید.
امضای متهم امضای ضابط امضای شهود

فهرست منابع

- (۱) استعلامات قضات سازمان قضایی نیروهای مسلح و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، جلد دوم، انتشارات فکر سازان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
- (۲) اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹؛
- (۳) انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعه تطبیقی)، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰
- (۴) آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، جلد ۴، قم، انتشارات اشراق، ۱۳۷۹؛
- (۵) آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳؛
- (۶) آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ پنجم، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹؛
- (۷) آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
- (۸) براری لاریمی، قبولی درافشان، سید محمد تقی، حقوق متهم با رویکردی فقهی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۸۸.

- ۹) بیرانوند، رضا و همکاران، وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره سوم، ۱۳۸۹.
- ۱۰) پلبو، روبر، شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۱) تهرانی، اکبر، نیروی انتظامی سه هزار ساله ایران، چاپ اول، تهران، نشر بوستان، ۱۳۸۸.
- ۱۲) جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ دهم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
- ۱۳) خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- ۱۴) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۳۲، تهران: انتشارات سیروس، ۱۳۳۷.
- ۱۵) رجبی، ابراهیم، پلیس و حقوق شهروندی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه مفید، ۱۳۸۶.
- ۱۶) رستمی، محمود، فرهنگ واژه‌های نظامی، چاپ اول، ناشر ستاد مشترک ارتش ج. ا. ا.، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۷) زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷.
- ۱۸) زراعت، عباس، مهاجری، علی، شرح قانون آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۳.
- ۱۹) شاملو احمدی، محمد حسین؛ دادسرا و تحقیقات مقدماتی، اصفهان، انتشارات دادیار، ۱۳۸۳.

- ۲۰) شکری، نادر، مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، ۱۳۸۶.
- ۲۱) شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
- ۲۲) صادق منش، جعفر، ضابطان قضایی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۲۳) کاوه، محمد هادی، مقاله: پدیده دام گستری پلیس در نظام حقوقی ایران، ماهنامه دادرسی، شماره ۱۰۵، سال هجدهم، مرداد و شهریور ۱۳۹۳.
- ۲۴) گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، ویرایش اول، چاپ دوازدهم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- ۲۵) مجموعه جرائم و دادرسی نیروهای مسلح (۱۳۹۰)، تهران، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، چاپ اول
- ۲۶) مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- ۲۷) مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ ششم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- ۲۸) معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ضابطین دادگستری تکالیف و مسئولیتها، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۹) معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ هشتم، تهران، موسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۳۰) مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۶.